

چرا توهین به پیامبر موجب اعدام است

انا لله وانا اليه راجعون

بسمه تعالی

به اطلاع مسلمانان غیرسراسر جهان میرسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشران مطلع از محتوای آن محکوم به اعدام میباشند. از مسلمانان غیرومی خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود شهید است. انشاء الله ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام آنرا ندارد او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته - ۶۷/۱۱/۲۵ - روح الله الموسوی الخمینی

والله وسلم را دشنام دهد، قتل او واجب است چه مسلمان باشد چه کافر، و این مذهب همه علماء است.

توهین به پیامبر «ص» از نظر روایات

و اما از نظر روایات، کافی شریف بسند معتبر از هشام بن سالم نقل کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند درباره کسی که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دشنام داده است، فرمود: هر که به او نزد بکیر است، او را باید بکشد قبل از آن که به ولی امر شکایت کند.

و در کافی و تهذیب دو حدیث نقل شده در مورد داستانی که در زمان امام صادق علیه السلام اتفاق افتاده است و آن اینکه شخصی را نزد والی مدینه آوردند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دشنام داده بود و بعضی از فقهای مدینه گفتند: او را تادیب کنید! امام صادق علیه السلام بیمار بود، والی مدینه از آن حضرت خواست که به هر صورت است حاضر شود و حضرت پس از حضور فرمود: سبحان الله! اگر این شخص، یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دشنام داده بود، چه حکمی داشت؟ گفتند: همین حکم! حضرت فرمود: پس میان آن حضرت و اصحابش فرقی نیست؟! والی پرسید: شما چه می فرمائید؟ حضرت فرمود: پدرم روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است: «مردم همه یکسان باید از من پیروی کنند، اگر کسی شنید که دیگری مرا دشنام می دهد، بر او واجب است او را بکشد و لازم نیست به حضور حاکم برسد و اگر به حضور او رسید، او باید آن شخص را بکشد». والی هم دستور داد آن مرد را کشتند.

و همچنین در کافی و تهذیب بسند معتبر از محمد بن مسلم نقل شده است که: امام باقر علیه السلام فرمود: «مردی از قبیله هذیل، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دشنام می داد، خبیره آن حضرت رسید، فرمود: چه کسی او را

دشنام دهد، جایز بلکه واجب است، هر که آن دشنام را شنیده باشد، او را بکشد و در این امر خلافتی میان فقها نیست بلکه اجماع محض و مقول بر آن ثابت است.

نظیر این عبارت در تمام کتب فقهی شیعه که مترجمی مسنگه شده اند، موجود است و نیازی به ذکر مدارک نیست. در مخفی این قدامه، از کتب فقهی اهل سنت، ج ۹، ص ۸۷ پس از بیان حکم کسی که مادر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را قذف کند و این که حکم او اعدام است چه مسلمان باشد، چه کافر، در فصل بعد گفته است: قذف پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و قذف مادرش، ارتداد از اسلام و خروج از ملت است. و همچنین دشنام دادن به آن حضرت، بدون قذف نیز همین حکم را دارد.

و در «الفقه علی المذاهب الاربعه»، ج ۵، ص ۴۴ آمده است: «و یجب قتل الزانی بعد الاطلاع علیه بلا طلب توبه منه»، تا آنجا که گفته است: «ومثله الذي سب نبياً، اجتمعت الأمة على نيوته فانه بدون استتابه ولا تقبل توبته، ثم ان تاب قتل حتماً». اختلافی که در آن کتاب میان فقها نقل شده فقط در قبول توبه و عدم قبول آن و فرقی میان کافر و مسلمان در این جهت است که نیازی به تفصیل نیست و کسانی که مایلند می توانند به مدرک فوق مراجعه نمایند.

این رشد در «البيان والتحصيل» ج ۱۶، ص ۴۱۳ از مالک نقل کرده است که: اگر کسی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دشنام دهد، قتل او بدون شک واجب است، چه مسلمان باشد و چه غیر مسلمان. این تیمه کتابی به نام «الصارم المسلول علی شانم الرسول» تألیف کرده و در آن اقوال فقها و روایات فراوانی آورده است که همگی دلالت بر این دارد که هر کس به نحوی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را توهین کند، قتل او واجب است. و در ابتدای آن گفته است که هر کس رسول خدا صلی الله علیه

و در آخرین فرصت که مجله به مرحله چاپ رسیده بود با انتشار پیام حضرت امام مدظله در زمینه اعدام نویسنده کتاب «آیات شیطانی» لازم دیدیم تا این مطلب به اندازة گنجایش و امکان توضیح داده شود و به گوشه ای از فقهی این فتوی بطور اجمال اشاره شود.

شاید برای بعضی از افراد، عجیب بیاید که چرا باید کسی به خاطر یک جمله یا ذکر یک مطلب حتی اگر به عنوان یک پژوهش تاریخی یا اجتماعی باشد، محکوم به اعدام شود، آن هم در سطح جهان و ممکن است گفته شود که سیره رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه هدی علیهم السلام چنین نبوده است، بلکه آنان با مخالفان خود، در کمال لطف و مدارا بحث می کردند و حتی در روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام در میان اصحاب نشسته بود، یکی از خوارج بر آن مجلس گذشت و مطلقاً را از آن حضرت شنید و گفت: «خداوند او را بکشد که چه کافر فقیهی است!!» اصحاب خشمگین شده برخاستند که او را بکشند، حضرت فرمود: «آرام باشید، با در برابر دشنام او دشنامی دهید با از لغزشش بگذرید». و نظائر آن، مکرر از سیره آن حضرت نقل شده است و همچنین در مورد سایر ائمه علیهم السلام این گونه حوادث در تاریخ بسیار اتفاق افتاده است.

حکم فقهی توهین به پیامبر «ص»:

در عین حال، از نظر فقهی این مسئله میان شیعه و سنی مسلم است که هر کس رسول خدا «صلی الله علیه وآله و سلم» را دشنام یا به هر نحوی توهین کند، فتنش جایز بلکه واجب است و هر کس او را یافت، باید او را بکشد. در جواهر است: «من سب النبي صلی الله علیه وآله وسلم، جاز لسامعه بل و جب قتله بلا خلاف اجده فيه بل الاجماع بقسمه عليه». هر کس رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را



کفایت می کند؟ دو نفر از انصار برخاستند و رفتند و گردنش را زدند». محمّد بن مسلم گوید: از حضرتش پرسیدم: اگر اکنون کسی پیامبر را دشنام دهد کشته می شود؟ فرمود: «اگر بر خود نمی ترسی او را بکش».

روایات در این باره فراوان است و حتی در مورد ائمه علیهم السلام نیز آمده است که هر کس به یکی از آنان دشنام دهد، خویش مباح است. در وسائل ج ۱۸، ص ۴۶۱ روایات متعددی در این زمینه نقل شده است، مراجعه کنید.

توهین به پیامبر، در تاریخ

در کتب تاریخ بطور متواتر گفته شده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هنگام فتح مکه، همه را امان داد بجز عده ای از مردوزین که آنها را نام برد، بعضی از آنها فقط گناهشان هجوم و مذقت آن حضرت و تبلیغات علیه او بوده است. می گویند: دوزین با کتبی بودند که اشعاری در هجو آن حضرت بصورت ترانه می خواندند، آنها را نیز فرمان داد بکشند، یکی از آنها کشته شد و دیگری فرار کرد. یکی «حویث بن نفید» بود که اشعاری در هجو آن حضرت سروده بود و فرمان قتلش صادر گردید و در روز فتح مکه، ابراهیم مؤمنین علیه السلام او را کشت. برای تفصیل بیشتر می توانید به سیره ابن هشام ج ۴، ص ۵۳ و تاریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۴۹ مراجعه کنید.

در کتب حدیث اهل سنت نیز داستانهای فراوانی نقل شده که بر این مطلب دلالت دارد، یکی روایتی است که در مورد زن بهوده ای وارد شده است که به حضرت رسول صلی الله علیه وآله توهین می کرده و کسی که مطلع شده او را کشته است و آن حضرت خون او را هدر اعلام نمود. و این روایت بصورت مختلف در کتب حدیث عاقله آمده است. و همچنین در مورد زنی به نام «عصماء» که آن حضرت را به شعر هجو می کرد و حضرت از مردم خواست که او را بکشند و کشته شد. و در بعضی از روایات آمده است: شخصی از پیش خود اقدام به قتل او کرد در حالی که مشغول شیر دادن به کودک خردسالی بود و چون خبر به آن حضرت رسید فرمود: دوزهم بر سر او بکند بگر نمی جنگند، یعنی هیچکس حق ندارد مطالبه خون او را بکند و داستانهای دیگر که در تاریخ و کتب حدیث ذکر شده به مصادر فوق مراجعه شود.

نتیجه بحث

از مطالب گذشته نتیجه می گیریم که توهین به مقام مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از نظر همه مسلمین مستوجب قتل است و توهین به ائمه معصومین و حضرت زهرا سلام الله علیهم اجمعین نیز از نظر مذهب شیعه مستوجب قتل است و اقا این که آنها خود این کار را نمی کردند، حتماً به دلیل گذشت آنها بوده است. هم اکنون قلم بدستان مزدور فراوانند که کتابها در توهین به شخص رهبر

انقلاب نوشته اند و رادیوهای پوسه در این زمینه سخن برایش می کنند و ایشان هیچگونه اعتراضی و حتی پاسخی نمی دهد و حتی از سوی دفتر ایشان با مردان و عیال قلمندان ایشان حشامی نشان داده نمی شود و با بزرگواری از همه این اهانتها می گذرند و اما هرگاه نوبت به مقام مقدس عصمت و طهارت بخصوص رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم برسد، دیگر تحقّل جایز نیست. آن حضرت خود، در موارد زیادی عفو می فرمودند ولی بعضی از افراد با به دلیل اصرار بیش از حد و با به دلیل نوع تبلیغات مانند آن دوزین که به صورت ترانه در محافل و مجالس، آن حضرت را دشنام می دادند مورد عفو قرار نگرفتند گر چه نقل شده است که یکی از آنها فرار کرد و سپس به خدمت حضرت رسید و نوبه کرد و اسلام آورد و حضرت او را پذیرفتند.

به هر حال مسئله عفو خود آن حضرت، مسئله جداگانه ای است ولی مسلمانان هرگز نباید بر چنین مطلق سکوت روا دارند. اگر گویند، مسلمان است باید کشته شود و ظاهر آحسّی اگر توبه کند، حکم تغییر نمی کند و اگر مسلمان نیست باز هم کشته می شود مگر اینکه اسلام اختیار کند که در این صورت کشته نمی شود ولی قبل از قتل، اسلام بر او عرضه نمی شود بلکه حکمش قتل است مگر اینکه خود، اعلان اسلام کند بلکه بعضی از فقها گفته اند: اگر کسی از دستگیری، اعلام اسلام کند از او پذیرفته نمی شود. بهر حال فروع این حکم نیاز به بحث فقهی بیشتر دارد. و اما اصل حکم میان همه مسلمین، یک امر مسلم است.

امروز درنگ روانیست

مطلبی که در پیام حضرت امام به مسلمانان جهان قابل توجه است، حکم به شهید بودن کسی است که در این راه، جان خود را از دست می دهد. و معنای آن این است که حتی اگر قاتل بداند که در انجام این ها مورث کشته می شود، حد اقل جایز است اقدام نماید و حال آنکه خود ایشان در تحریر فرموده اند: «هر کس پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را (نمود با الله) دشنام دهد، واجب است بر شنونده که او را بکشد مگر اینکه برسد بر جان یا عرض خود و همچنین جان یا عرض مؤمنی دیگر که در این صورت، اقدام جایز نیست و اگر بر مال مهمی از خود یا بر ادر دینی اش برسد، جایز است ترک قتل». و همچنین در روایتی که از محمّد بن مسلم نقل کردیم آمده است که از امام پرسید: اکنون اگر کسی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دشنام دهد، کشته می شود؟ حضرت فرمود: اگر بر جان خود نرسی، او را بکش».

از نظر فقهی مسلم است که در صورت تقیه بر جان و عرض، اقدام جایز نیست و در صورت تقیه بر مال مهم، ترک جایز است ولی در موردی همچون نویسنده کتاب شوم «آیات شیطانی» حکم فرقی می کند و باید اعدام شود حتی اگر در این راه خطر

جانی باشد و در این امر، تقیه واجب نیست و شاید هم جایز نباشد. زیرا حکمی که در روایات و کتب فقهی آمده، در موردی است که شخصی در یک محیط محدود با رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با دین آن حضرت، ابراز دشمنی می کند و اما آنگاه که توطئه جهانی باشد و تشکیلات کفر در صدد تضعیف موقعیت اسلام در جهان باشد و آن هم با چنین حربه ای که اصل اسلام یعنی قرآن و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را هدف قرار می دهد و به طوری دقیق و حساب شده عمل می کنند که اگر ادامه یابد و نویسندگانی دیگر این راه را دنبال کنند، ممکن است موجب گمراهی عده زیادی شوند، گذشته از آن که قدسیت و کرامت اسلام و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و قرآن مورد هتک و توهین در تمام جهان قرار می گیرد بلکه به ذات مقدس باری تعالی جسارت می شود. در چنین موقعیتی باید به جنگ با چنین دشمنانی برخاست و توطئه را ریشه کن نمود و درنگ هرگز جایز نیست و همانگونه که حضرت امام فرمودند: «باید عامل این توطئه کشته شود تا دیگر قلم بدستان مزدور جرأت چنین اقدامی نکنند».

شاید بعضی از کوه نظران فکر کنند که در مقابل بحث و انتقاد نباید حریم اعدام و مجازات بکار برد بلکه باید با بحث و استدلال، مقابله کرد همانگونه که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام چنین رفتاری داشتند. احتجاجات معصومین با زنادقه و کفار فراوان است. در پاسخ این اعتراض می گوئیم که فرق است میان کسی که بحث و انتقاد و استدلال می کند هر چند استدلال او پایه و اساسی نداشته باشد و کسی که فحاشی میکند و تاسر میگوید و مقدسات را توهین میکند و سک می شمارد و مسخره و استهزاء مینماید. هرگز پاسخ استهزاء و توهین و فحاشی آن هم به شیوه ای که در جامعه موثر است مانند آن دوزین که در زمان حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم به آن حضرت جسارت میکردند با همچون نویسنده بی باک و هتاک آیات شیطانی که بصورت رمان یا فلمی شیوا و تبلیغاتی وسیع و عنوان بهترین کتاب سال مطالبی توهین آمیز که اصل اسلام و قرآن و ساحت مقدس پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه وآله وسلم را مورد استهزاء و توهین قرار میدهد بحث و مناظره و استدلال نیست. فقهائ ما تاکنون با کنویسنرها که اصل توحید و خداشناسی را انکار میکنند هرگز چنین برخوردی نمیکند بلکه با آنها مباحثه و مناظره میکنند و در پاسخ استدلالهای بوج آنان با کمال خو سردی و رعایت ادب استدلال میکنند ولی با چنین فحاشی منتهک که با چنین گستاخی مقدسات را مسخره میکند جای بحث و مناظره نیست بلکه فقط جزای او اعدام است تا دیگران اگر چنین هوانی در مر دارند حساب کار خود را بکنند.

خداوند سابه این رهبر عظیم الشان را از سر مسلمین جهان کوتاه نکند و همواره دین و مقدسات خود را به وسیله این مرد الهی، معصوم و محفوظ بدارد.